

۵. انبار کردن گنجینه‌ها در آسمان: مطالعه‌ای کتاب مقدسی بر متی ۶: ۱۹-۳۴

متی ۶: ۱۹-۳۴

ما به کاوش در تعالیم عیسی، که اغلب «سخنرانی در کوه» نامیده می‌شود، ادامه می‌دهیم. هنگامی که عیسی با حواریون و پیروانش سخن می‌گفت، روح آنها را روشن می‌ساخت. سخنان او دل آنها و همچنین دل ما را لمس کرد. او ما را تشویق می‌کند که بر چیزهایی تمرکز کنیم که تا ابد باقی می‌مانند—چیزهایی که ابدی هستند—نه بر دارایی‌های دنیوی موقت. مردم آن زمان با وسوسه‌های خود روبرو بودند؛ در واقع، آنها اینترنت، تلویزیون یا بسیاری از حواس‌پرتی‌هایی را که امروزه شخصیت بسیاری را فاسد کرده است، نداشتند. با این حال، آنها با چیزهایی روبرو بودند که قلبشان را به تاریکی عمیق می‌کشید. من معتقدم اگر آنها می‌توانستند به نوعی به آینده نگاه کنند و زندگی ما را امروز، با تمام دارایی‌های قرن بیست و یکم - حتی در میان مؤمنان - ببینند، شگفت‌زده می‌شدند. آنها احتمالاً زندگی ما را آنقدر پیچیده و پر از چیزهای مختلف می‌یافتند که برایشان باورنکردنی می‌نمود که گناه در فرهنگ ما پذیرفته شده است. برایم سؤال است که چند نفر از آنها زندگی خود را با یک زندگی در قرن بیست و یکم معاوضه می‌کردند.

خطرات یک زندگی هدر رفته: درس‌هایی از ایملدا مارکوس

فریدیناند مارکوس در سال ۱۹۶۵ به ریاست‌جمهوری فیلیپین رسید و پیروزی‌اش در انتخابات را مدیون کمک همسرش، ایملدا، می‌دانست. ایملدا نزد بسیاری از مردم فقیر کشور بسیار تحسین می‌شد، شاید به این دلیل که در جوانی ملکه زیبایی بوده است. فیلیپین پس از آنکه دولت مارکوس حدود ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار از این کشور سرقت کرد، با تنگنای اقتصادی شدیدی مواجه شد و رکورد جهانی گینس را برای بزرگترین سرقت دولتی به دست آورد. پس از اعتراضات گسترده در سال ۱۹۸۶، فردی‌ناند با کنارگیری از ریاست‌جمهوری موافقت کرد. این زوج به زودی به هاوایی گریختند و سال‌ها را در تبعید گذراندند. ایملدا بسیاری از وسایلیش را در کاخ مالاکانانگ جا گذاشت، که این امر باعث شد مطبوعات درباره کمد لباس عظیم او گزارش دهند. گفته می‌شود مجموعه کفش‌های ایملدا در مجموع ۳۰۰۰ جفت بود. کمد لباس او همچنین شامل ۱۵ کت سمور، ۵۰۸ لباس مجلسی، ۸۸۸ کیف دستی و یک سوتین ضدگلوله می‌شد. بسیاری از کفش‌های ایملدا اکنون در موزه ملی فیلیپین در مانیل به نمایش گذاشته شده‌اند. برایم سؤال است که چند نفر از کسانی که ثروت زیادی به دست آورده‌اند، هرگز به زندگی هدر رفته و تلاش‌های بیهوده خود فکر می‌کنند. این پوهان گوته بود که گفت: «زندگی هدر رفته، مرگ زودرس است.» مهم‌ترین چیزی که یک فرد می‌تواند به جا بگذارد، تأثیری است که بر زندگی دیگران گذاشته است. این همان چیزی بود که عیسی در موعظه بر کوه بر آن تمرکز کرد—ایجاد تأثیر بر اطرافیان خود از طریق شخصیت، رابطه با خدا و روابط با دیگران.

در آخرین مطالعه ما در مورد متی ۶: ۱-۱۸، ما تشویق خداوند را برای ما بررسی کردیم تا پاداش‌هایمان را برای پایان دوران، هنگامی که «درو زمین» فرا می‌رسد (مرقس ۴: ۲۹؛ مکاشفه ۱۴: ۱۵)، به حداکثر برسانیم. در متی ۶، آیات ۱-۳۴، خداوند این موضوع را ادامه می‌دهد و بر انواع اعمالی تأکید می‌کند که می‌توانند بر ابدیت ما و اطرافیانمان تأثیر بگذارند. ما می‌توانیم آنقدر بر خوشبختی در این زندگی متمرکز شویم که فراموش کنیم برای آسایش ابدی خود ذخیره‌ای فراهم کنیم. دنبال کردن خوشبختی یک ارزش اساسی برای آمریکایی‌هاست، اما آیا زندگی یک شخص باید صرفاً به خدمت به خود و تلاش برای «خوشحال» کردن خود هدر برود؟ ایملدا چند جفت کفش به دست آورد قبل از اینکه احساس «خوشبختی» کند، اگر اصلاً چنین احساسی داشته باشد؟ آیا ما باید به دنبال آسایش‌های موقت این دنیا بدویم؟ من معتقدم که آرمان حقیقی ما، به‌ویژه اگر از پیروان مسیح هستیم، این است که جلال را به خدا بازگردانیم—عیسی گفت که باید زندگی خودمحور خود را از دست بدهیم و از سرمشق او پیروی کنیم. عیسی گفت: «خوراک من این است که اراده کسی را که مرا فرستاده است به جا آورم و کار او را به پایان برسانم» (یوحنا ۴: ۳۴). آنچه خداوند بر آن تأکید می‌کند این است که رضایت واقعی از انجام اراده خدا حاصل می‌شود. اگر این برای او حقیقت دارد، برای کسانی که با او راه می‌روند چقدر بیشتر صادق است؟ فرزندان خدا نباید هنگام نزدیک شدن به سال‌های پایانی عمرشان پشیمانی داشته باشند. بیایید ابتدا آیات ۱۹ تا ۲۱ را بررسی کنیم:

ذخیره گنج در آسمان به چه مناسبت؟

^{۱۹} «برای خود در زمین گنجی فراهم مکنید، جایی که کرم و زنگ آن را تباه می‌کند و جایی که دزدان می‌شکنند و می‌زدند. ^{۲۰} بلکه برای خود در آسمان گنجی فراهم کنید، جایی که کرم و زنگ آن را تباه نمی‌کند و جایی که دزدان نمی‌شکنند و نمی‌زدند. ^{۲۱} زیرا هر جا گنج شما باشد، آنجا دل شما نیز خواهد بود.» (متی ۶: ۱۹-۲۱).

زندگی در خدمت به دیگران است. خوشا به حال کسی که بر آسایش مادی تمرکز ندارد، بلکه بر کمک به مردم برای یافتن نجات و رشد در مسیح. گنجینه حقیقی، سرمایه‌گذاری در جهت رساندن پیام خدا و تأثیرگذاری بر دیگران است. دعا می‌کنم که هر یک از ما در ابدیت عزیزانمان را داشته باشیم که بیایند و از ما برای دستیابی به آنها سپاسگزاری کنند. زندگی اغلب گنجینه‌هایی را که در این دنیا انباشته می‌کنیم، می‌زدرد. در عصر عهد جدید، اشیای باارزش شامل لباس‌های باکیفیت و زیبا نیز می‌شد. چنین لباس‌هایی نماد جایگاه اجتماعی بودند و می‌توانستند حسادت را برانگیزند. یک ردای زیبا و بابلی بود که آکان را در سقوط پریخو به گناه کشاند (یوشع ۷:۲۱)؛ او به خاطر نافرمانی از خدا سنگسار شد. میل به نقره و لباس‌های فاخر باعث شد که خادم الیشا نیز به گناه بیفتد و به بیماری جذام مبتلا شود (۲ پادشاهان ۵:۲۲). خداوند از استعارهٔ موریانه‌هایی استفاده کرد که می‌توانستند لباس‌های گران‌قیمتی را که برای یک مناسبت خاص کنار گذاشته شده بودند، خراب کنند.

در زمان عهد جدید، نگهداری نقره و طلای خود در بانک غیرمعمول بود؛ در عوض، اغلب در یک صندوق امنی دور از شهر پنهان می‌شد. با این حال، کسانی که کسی را به داشتن نقره و طلا مظنون بودند، او را زیر نظر می‌گرفتند و بعداً آن را از زمین بیرون می‌کشیدند. زمانی که خانه‌ها از نظر ساختاری به استحکام امروزی نبودند، دزدان همچنین زیر دیوارهای خانه یک مرد ثروتمند حفر می‌کردند و در غیاب او ثروتش را می‌زدیدند. عیسی به ما توصیه کرد که گنجی را ذخیره کنیم که هیچ‌کس نتواند آن را بدزد و فاسد نشود. برایم سؤال است که آیا ایملدا در حالی که مردمش در فقر شدید به سر می‌بردند، از زندگی خود راضی بود یا نه. گزارش شده است که بسیاری از ۳۰۰۰ کفش او پس از آنکه در جعبه‌های کفش در موزه ملی نگهداری شدند، به دلیل نشست سقف پوسیدند. خوشا به حال کسی که وقت، انرژی، استعدادها، هدایا و پول خود را در چیزهایی ذخیره کرده است که در بهشت پاداش خواهند داشت. عیسی گفت که قلب ما از ارزش‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایمان در این دنیا پیروی می‌کند (آیه ۲۱). جایی که گنج ماست، قلب ما نیز متمرکز خواهد بود. آنچه شما به عنوان «گنج» ارزش می‌دهید، وضعیت فعلی شخصیت درونی شما را نشان می‌دهد. ما باید بفهمیم که این اشیاء نیستند که قلب ما را می‌زدند، بلکه عشق به اشیاء است؛ تعقیب چیزی که هرگز نمی‌تواند واقعاً ما را راضی کند. مسئله تعداد دارایی‌های ما نیست، بلکه گنج‌های ما هستند که گرایش دارند ما را مالک خود کنند.

به نظر شما گنجینه‌های ابدی که انسان می‌تواند هنگام ترک این زندگی با خود ببرد، چه چیزهایی هستند؟

چشم چراغ است: پرورش یک جهان‌بینی کتاب‌مقدسی

اکنون خداوند تمرکز خود را از قلب به آنچه به چشمان خود اجازه می‌دهید ببینند—یعنی نحوه درک شما از زندگی در این نظام جهانی ضرور و فعلی که در آن زندگی می‌کنیم—معطوف می‌سازد. آیا زندگی را با در نظر داشتن ابدیت می‌بینید، یا قانع شده‌اید که زندگی پس از قبر وجود ندارد؟ جهان‌بینی‌ای که دارید بر زندگی شما تأثیر می‌گذارد. آیا شما زندگی خود را کنترل می‌کنید، یا خدا آن کسی است که بر تخت زندگی شما نشسته است؟ عیسی این را این‌گونه بیان کرد:

22 «چشم چراغ بدن است. اگر چشمانت سالم باشد، تمام بدنت از نور پر خواهد شد. 23 اما اگر چشمانت ناخالص باشد، تمام بدنت از تاریکی پر خواهد شد. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، آن تاریکی چقدر عظیم است! 24 «هیچ‌کس نمی‌تواند برای دو مالک خدمت کند. یا یکی را نفرت خواهید داشت و دیگری را دوست خواهید داشت، یا به یکی وفادار خواهید بود و دیگری را تحقیر خواهید کرد. شما نمی‌توانید هم خدا و هم مال را خدمت کنید (متی ۲۴:۶-۲۲).

وقتی ماهی‌گیری تجاری را رها کردم تا با تمام وجود از خداوند پیروی کنم، برای تأمین مخارج خانواده‌ام کسب‌وکار خودم را با نظافت پنجره‌ها آغاز کردم. این کار به من آزادی داد تا زمانم را برای تأسیس کلیسا مدیریت کنم. مردم می‌دیدند که پنجره‌های خانه همسایه کناری‌شان را تمیز می‌کنم و بیرون می‌آمدند و از من می‌خواستند که پنجره‌های آنها را هم تمیز کنم. آنها از میزان نوری که پس از تمیز شدن پنجره‌هایشان وارد خانه‌هایشان می‌شد، شگفت‌زده می‌شدند. چشم‌ها پنجره‌های روح هستند، ابزاری که اجازه می‌دهد نور به درون انسان وارد شود. برخی از مردم از باز کردن کرکره‌های پنجره‌های خود امتناع می‌کنند. آنها تاریکی را ترجیح می‌دهند و میزان نور کتاب مقدسی را که وارد می‌کنند کنترل می‌کنند، و گاهی حتی از شنیدن هر چیزی که جهان‌بینی‌شان را به چالش می‌کشد، خودداری می‌کنند. نور را راه دهید، و تمام بدن از نور پر خواهد شد. پنجره‌های ما می‌توانند با آنچه از طریق آنها می‌بینیم، تحریف شوند. در زمان عیسی، تعصبات علیه سامری‌ها و غریبه‌ودیان، دیدگاه یهودیان را

نسبت به دیگران تحریف کرده بود. ما نیز می‌توانیم اجازه دهیم تعصبات، دیدگاه ما را نسبت به دیگران تیره و تار کنند. نمونه‌هایی از چشم‌های ناسالم عبارتند از حسادت به دیگران و تکبر در فکر کردن به اینکه از دیگران مهم‌تر هستیم.

میزان نوری یا تاریکی که به روح خود راه می‌دهیم، اغلب یکی از اولین زمینه‌هایی است که شیطان آن را هدف قرار می‌دهد. دشمن افکاری را برمی‌انگیزد تا چیزی را برای روح ما ناسالم ببینیم که اگر از نظر روحانی هوشیار باشیم، باید زنگ خطر را در قلبمان به صدا درآورد. این حمله برای هر یک از ما متفاوت است. چیزی که توجه یک نفر را برای بار دوم جلب می‌کند، ممکن است بر دیگری تأثیری نداشته باشد. به عنوان مثال، من به کفش‌هایی که دیگران می‌پوشند نگاه دومی نمی‌اندازم، اما واضح است که ایملدا مارکوس برای چنین چیزهایی ارزش زیادی قائل بود. وسوسه اغلب با چیزهای کوچک آغاز می‌شود و به تدریج شدت می‌گیرد تا پنجره‌های چشم به دریچه‌هایی برای ورود نور تبدیل شوند.

هنگامی که از ورود نور به قلب‌هایمان جلوگیری می‌کنیم، چشمانمان نیز همچون قلبمان تاریک می‌شود. عیسی گفت: «اما اگر چشمانت ناخالص باشد، تمام بدنت پر از تاریکی خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، آن تاریکی چقدر عظیم است!» (آیه ۲۳). مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۰ توسط آکادمی چشم‌پزشکی آمریکا منتشر شد، ۲۰ مشکل سلامتی را که در طول معاینات چشم معمولی تشخیص داده می‌شوند، فهرست می‌کند، از جمله بیماری قلبی، سکتة مغزی، انواع سرطان‌ها، دیابت، سمیت داروها و کمبود ویتامین و مواد معدنی. این مقاله توضیح می‌دهد که چشم‌های شما پنجره‌هایی به وضعیت فعال رگ‌های خونی، اعصاب و بافت‌های همبند در سراسر بدن شما هستند. مشکلاتی که در چشم شناسایی می‌شوند اغلب اولین نشانه‌های بیماری در جای دیگری هستند.

آیا می‌توان شر را در چشمان یک شخص دید؟ اگرچه سعی می‌کنیم دیگران را از روی ظاهرشان قضاوت نکنیم، اما گاهی اوقات می‌توان شر را از نظر روحانی تشخیص داد. برخی از مصاحبه‌کنندگان، هنگام صحبت با قاتلان یا قاتلان زنجیره‌ای، متوجه نگاهی بی‌روح یا مرده در چشمان آنها شده‌اند. افرادی که با آنها مصاحبه می‌کنند اغلب سردی را توصیف کرده و حتی در طول این ملاقات دچار لرزش می‌شوند. این از کجا می‌آید؟ این گواهی محکمی بر واقعیت شر است.

اگر می‌توانستیم با مردی به نام لژیون در مرقس ۵ مصاحبه کنیم، کسی که پس از بیرون راندن شیطان به عقل بازگشت، کنج‌کاو بدانم در مورد وضعیت قلبی‌اش و اینکه چگونه به آن حال دچار شد، چه می‌گفت. به احتمال زیاد، او می‌گفت که این وضعیتی بود که به تدریج و از طریق گناهان کوچکی که اجازه داده بود، بر او عارض شده بود. یک وجب به دشمن بدهید، یک ذرع خواهد گرفت؛ یک ذرع به او بدهید، یک مایل خواهد خواست. گناه تنها لذت موقتی به همراه دارد که پس از آن احساس گناه، پشیمانی و محکومیت به سراغ انسان می‌آید. این‌ها مثال‌های شدیدی هستند که اینجا ذکر می‌کنم، اما آن‌ها را مطرح می‌کنم تا این نکته را برجسته کنم که در «خوب و بد واقعی هستند و در دنیای اطراف ما حضور دارند، و عاقلانه است که اجازه ندهیم گناه از در زندگی ما وارد شود.

آنچه خود را وقف آن می‌کنیم، نه تنها بر ادراکات ما تأثیر می‌گذارد، بلکه شخصیت ما و افرادی را که در حال تبدیل شدن به آن هستیم، شکل می‌دهد. دشمن تنها در صورتی می‌تواند موفق شود که ما رضایت خود را بدهیم. در مورد آنچه با آن موافقت می‌کنید، محتاط باشید. بیاموزید که چشمان خود را کاملاً به نور حیات بگشایید—مسیح و راست‌کرداری او را بجوید. عیسی از تمثیل دو ارباب استفاده کرد. او به دو رئیس در مشاغل مختلف اشاره نمی‌کند؛ بلکه در مورد بردگان دوران عهد جدید صحبت می‌کند. اگر شما یک برده بودید، کاملاً متعلق به یک ارباب بودید و هر کاری را که اربابتان می‌خواست انجام می‌دادید. اگر شخصی برای پول و مقام بالا زندگی کند، آنگاه ثروت به یک ارباب سخت‌گیر تبدیل می‌شود و اغلب استرس بی‌پایان بر سر از دست دادن دارایی‌ها به دنبال آن می‌آید.

طبق گفته پروردگار ما در اینجا، این چیزهای زمینی و دنیوی تمایل دارند که به خدایان ما تبدیل شوند. ما آنها را خدمت می‌کنیم؛ ما آنها را دوست داریم. قلب‌های ما مجذوب آنهاست؛ ما در خدمت آنها هستیم. آنها چه هستند؟ آنها همان چیزهایی هستند که خدا، در مهربانی خود، به انسان داده است تا به او خدمت کنند و او بتواند در حالی که در این دنیا است از زندگی لذت ببرد... چه تراژدی‌ای؛ او در برابر چیزهایی که قرار بود در خدمت او باشند، خضوع می‌کند و آنها را می‌پرستد. چیزهایی که قرار بود در خدمت او باشند، به ارباب او تبدیل شده‌اند. عیسی صریحاً به ما هشدار می‌دهد که از دو ارباب پیروی نکنیم. شما نمی‌توانید هم خدا و هم مال یا گنجینه‌های این دنیا را دوست داشته باشید (آیه ۲۴).

غلبه بر اضطراب: چرا عیسی می‌گوید «نگران نباشید»

^{۲۵} «پس به شما می‌گویم، نگران زندگی خود نباشید که چه خواهید خورد یا چه خواهید نوشید؛ و نگران بدن خود نباشید که چه خواهید پوشید. آیا زندگی از غذا و بدن از لباس ارزشمندتر نیست؟^{۲۶} به پرندگان آسمان بنگرید؛ آنها نه می‌کارند و نه در انبارها جمع‌آوری می‌کنند، و با این حال پدر آسمانی شما آنها را سیر می‌کند. آیا شما بسیار باارزش‌تر از آنها نیستید؟^{۲۷} آیا هیچ‌یک از شما می‌تواند با نگرانی حتی یک ساعت به عمر خود بیفزاید؟ (متی ۶: ۲۵-۲۷).

چه چیزی بیش از همه شما را نگران می‌کند؟ چگونه درک شما از محبت و مراقبت خدا می‌تواند به کاهش آن نگرانی کمک کند؟

صلح حقیقی درون، دانستن این است که تو کیستی و چه کسی مالک توست. بهترین درمان برای نگرانی و اضطراب این است که تمام دغدغه‌هایت را بر مسیح واگذاری، با درک عمیق از اینکه او به تو اهمیت می‌دهد. وقتی بدانیم که خداوند عیسی مالک ماست و دریابیم ثروت عظیمی را که در مسیح به ما عطا شده است، این مؤثرترین راه برای مقابله با نگرانی و راندن اضطراب و ترس از ذهنمان است.

^{۲۸} «و چرا نگران لباس هستید؟ به گل‌های صحرا بنگرید که نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند.^{۲۹} اما به شما می‌گویم که سلیمان نیز در تمام جلالش همچون یکی از این‌ها آراسته نبود.^{۳۰} اگر خدا علف‌های صحرا را که امروز هستند و فردا در تنور افکنده می‌شوند، این‌چنین می‌پوشاند، آیا شما را که ایمان کمی دارید، بسیار بیشتر نخواهد پوشاند؟^{۳۱} پس نگران نباشید و نگویید: «چه بخوریم؟» یا «چه بنوشیم؟» یا «چه بپوشیم؟»^{۳۲} زیرا قوم‌های غیرایمان به دنبال همه این چیزها می‌دوند و پدر آسمانی شما می‌داند که به آنها نیاز دارید.^{۳۳} اما نخست به دنبال ملکوت خدا و عدالت او باشید و آنگاه همه این چیزها نیز به شما عطا خواهد شد.^{۳۴} پس برای فردا نگران نباشید، زیرا فردا خود نگرانی خود را خواهد داشت. هر روز کافی است که مشکل خود را داشته باشید. (متی ۶: ۲۸-۳۴).

وقتی گنجینه‌های ما—دارایی‌های ارزشمندمان در این زندگی—تنها بر میزان آنچه می‌توانیم انباشته کنیم متمرکز باشد، آنگاه استرس، ترس و نگرانی‌ها می‌توانند روح ابدی ما را آلوده سازند. زمانی در زندگی‌ام بود، پیش از آنکه مسیحی شوم، که تنها چیزی که می‌خواستم داشتن یک خانه شایسته و یک خانواده بود. وقتی خداوند وارد زندگی‌ام شد، همه چیز تغییر کرد. من نگران کسانی شدم که خدایی را که زندگی مرا تغییر داده بود، نمی‌شناختمند. تا زمانی که ۲۱ ساله شدم، این سعادت را داشتم که قایق ماهیگیری تجاری خودم، یک خانه، یک ماشین خوب، یک موتورسیکلت و یک حساب بانکی قابل توجه داشته باشم. حدس می‌زنم مردم به من حسادت می‌کردند و آنچه را که داشتم می‌خواستند، اما من هرگز واقعاً راضی نبودم. وقتی این چالش برای من پیش آمد که شغل ماهیگیری‌ام را ترک کنم و از عیسی پیروی کنم، شروع کردم به این فکر کردن که - چه کار کنم؟ چگونه خودم را تأمین می‌کردم؟ چه می‌پوشیدم؟ قسط وام خانه را چگونه می‌پرداختم؟ این‌ها از آن دسته نگرانی‌هایی هستند که می‌توانند به سراغ هر کسی بیایند و مانند من، ترس، دلهره و اضطراب را به زندگی وارد کنند. در این مرحله از زندگی‌ام، شکر خدا را به جا می‌آورم که قایق ماهیگیری‌ام، خانه‌ام، دوست‌دخترم و موتورسیکلم را رها کردم و مسیح را برای کار در محصول او دنبال کردم.

به نوعی، فکر نمی‌کنم خداوند کفش آرمانی یا لباس‌های آراسته و پرزرق‌وبرق زمان خود را به تن می‌کرده است. خداوند از گل‌های وحشی روی تپه در کنار جمعیت استفاده می‌کند تا نشان دهد که سلیمان بهتر از گل‌های صحرا لباس نمی‌پوشیده است. آن‌ها برای زیبایی خود پشم یا پنبه نمی‌ریسیدند؛ در رشدشان زحمت نمی‌کشیدند و خود را به زحمت نمی‌انداختند. نگرانی می‌تواند امید ما را تحلیل ببرد، اما باید به خود یادآوری کنیم که خدا از ابتدا به پایان نگاه کرده است. او هر یک از ما را در لحظه‌حال می‌بیند، تصمیماتی را که می‌گیریم می‌داند و می‌تواند آینده‌ما را بر اساس آن تغییر دهد. بنابراین، اجازه ندهید انتخاب‌هایتان مانع از کاری شود که خدا شما را برای انجام آن در آینده فراخوانده است. خدا کاملاً قادر است از شما و من مراقبت کند. او از پیش در آینده با تأمین آنچه برای انجام آن شما را فراخوانده است، حضور دارد.

پدرم یکی از شناخته‌شده‌ترین و محبوب‌ترین ماهیگیران تجاری در سواحل شرقی انگلستان بود. اولین قایق ماهیگیری او «چرا نگران باشی» نام داشت، نامی که بازتاب‌دهنده دیدگاه او نسبت به زندگی بود: به نظر می‌رسید هیچ چیز او را آزار نمی‌داد—او همیشه کارهایی را انجام می‌داد که ماهیگیران دیگر جرأتش را نداشتند. آیا تا به حال خواسته‌اید شبیه پدرتان باشید؟ متأسفانه،

برخی از ما نمی‌توانیم به پدرانمان به چشم الگو نگاه کنیم و آن‌ها را به عنوان نمونه برتر بپذیریم. پدرم بی‌نقص نبود، و هیچ‌کس دیگر هم نیست، اما او میراثی از زندگی بی‌دغدغه و اعتماد به اینکه همه‌چیز خوب پیش خواهد رفت را برایم به جا گذاشت. شکر خدا برای عیسی، که راهی را به ما نشان داده است تا از ترس رها باشیم و با ایمان گام برداریم.

چگونه می‌توانیم پادشاهی خدا را در انتخاب‌های روزانه‌مان در اولویت قرار دهیم؟ چگونه می‌توانیم با این کار نگرانی بابت فردا را متوقف کنیم؟

متی ۶:۳۳ – نخست به دنبال پادشاهی خدا بودن

در ابتدای مطالعه خود، این سؤال را مطرح کردیم: به نظر شما گنجینه‌های ابدی که انسان می‌تواند هنگام ترک این زندگی با خود ببرد، کدامند؟ بیایید برخی از پاسخ‌ها به این سؤال را مورد بحث قرار دهیم.

(۱) کلام خدا که در دل‌هایمان ذخیره کرده‌ایم.

(۲) مردمی که ما برایشان شهادت داده‌ایم و از ما برای تأثیرگذاری بر آن‌ها جهت برقراری رابطه‌ای با مسیح استفاده شده است.

(۳) محبت خدا.

(۴) اعمال نیکویی که خداوند مقرر فرموده است انجام دهیم. («زیرا ما ساخته‌ی دست او هستیم، در مسیح یسوع آفریده شده‌ایم برای اعمال نیک، که خدا از پیش آماده کرده بود تا در آنها گام برداریم.» (افسیان ۱۰:۲۰)).

(۵) پادشاه‌های روحانی و عده داده شده به مؤمن - «آنچه چشم ندیده، گوش نشنیده و به ذهن انسان خطور نکرده است، آن چیزی که خدا برای کسانی که او را دوست دارند آماده کرده است» (اول قرنتیان ۲: ۹).

بیایید درباره این افکار در مورد گنجینه‌های ابدی تأمل کنیم و اجازه دهیم در وجودمان طنین‌انداز شوند. در آیات بالا، پولس رسول به ما می‌گوید که حتی در دیوانه‌وارترین رویاهایمان هم نمی‌توانیم تصویری از آنچه در ابدیت در انتظار دوستداران خداست، داشته باشیم.

راهنمای بحث گروهی کوچک: گنجینه‌ها و اعتماد

از این سؤالات برای کمک به گروه خود جهت پر کردن شکاف بین کتاب مقدس قرن اول و زندگی قرن بیست و یکم استفاده کنید.

۱. «فهرست دارایی‌های قلب» عیسی می‌گوید: «جایی که گنج شماست، آنجا دل شما نیز خواهد بود» (آیه ۲۱). اگر یک غریبه به صورت حساب بانکی شما یا گزارش «زمان استفاده از صفحه» تلفن شما در هفته گذشته نگاه کند، به چه نتیجه‌ای خواهد رسید که ارزشمندترین «گنج» شما در حال حاضر چیست؟

۲. «پنجره» جان: تمیز کردن پنجره‌های فیزیکی، نور را به خانه راه می‌دهد. عیسی می‌گوید چشم «چراغ بدن» است (آیه ۲۲). در دنیای ما که پر از رسانه‌های اجتماعی و تبلیغات مداوم است، چه «لکه‌ها» یا حواس‌پرتی‌های مشخصی هستند که دیدن زندگی از دریچه یک لنز شفاف و ابدی را برای شما دشوار می‌کنند؟

۳. تعارض «دو صاحب» ما اغلب سعی می‌کنیم هم به خدا و هم به چیز دیگری (امنیت، شهرت یا راحتی) خدمت کنیم. آیا می‌توانید زمانی را به یاد بیاورید که کشمکش بین اعتماد به تأمین خدا و تلاش برای کنترل «شبکه امنی» مالی یا اجتماعی خودتان را احساس کردید؟ با آن تنش چگونه برخورد کردید؟

۴. **حسابرسی «نگرانی»** عیسی به پرندگان و گل‌های لاله اشاره می‌کند تا مراقبت خدا را نشان دهد. آیه ۲۷ می‌پرسد آیا نگرانی می‌تواند حتی یک ساعت به عمر ما بیفزاید؟ از آنجا که می‌دانیم چنین نیست، چرا ترک آن اینقدر دشوار است؟ یک نگرانی مشخص «فردا» چیست که مایلید امشب برای دعا به گروه بسپارید؟

دعای پایانی‌ام این است که این به عادت‌ی در زندگی شما تبدیل شود: نخست در پی تحقق پادشاهی خدا در زندگی خود و زندگی اطرافیان‌تان باشید.

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com